



نقش ترویج کشاورزی بر کاهش فقر و دستیابی به توسعه پایدار در ایران

مریم رخشانی^۱

چکیده

یکی از چالش‌های دستیابی به توسعه پایدار، موضوع فقر و کاهش آن می‌باشد و با وجود مطالعات بسیار و تلاش‌های فراوانی که در این زمینه صورت گرفته، همچنان این مشکل نیاز به بررسی دارد. همچنین در صورت بی‌توجهی به فقر، گسترش آن برای جوامع مخاطره آمیز بوده، به کاهش فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اختلاف طبقاتی و عمیق‌تر شدن فقر می‌انجامد. از این جهت هدف مقاله حاضر بررسی تاثیر ترویج کشاورزی بر روی کاهش فقر و در نهایت دست یافتن به توسعه است. راهکار اصلی این مطالعه تغییر و نوسازی سیستم ترویج کشاورزی جهت دستیابی به رفاه جامعه و هموار ساختن مسیر توسعه بر اساس مدل توسعه هوشمند روستایی می‌باشد.

لغات کلیدی: فقر، توسعه پایدار، ترویج کشاورزی، مدل توسعه هوشمند روستا

^۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز



مقدمه

با گذشت سال‌ها همچنان ناکامی‌هایی در راهبردهای پیشین توسعه پایدار در زمینه‌ی مسائلی همچون فقر، اشتغال، امنیت غذایی و پایداری محیط زیست دیده می‌شود، هنوز توسعه با چالش‌های متعدد دست به گریبان است. به همین دلیل است که در سال‌های اخیر، بار دیگر توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفته است (کرمی و رضائی مقدم، ۱۳۸۵). یکی از چالش‌های توسعه پایدار فقر است که در قرن ۲۱ میلادی، به عنوان یکی از بزرگترین و بحث‌انگیزترین موضوعات مطرح نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای در حال توسعه جهان نیز می‌باشد. نظر به اهمیت قابل توجه موضوع فقر، دولت نیز در ماده ۹۵ برنامه چهارم توسعه مکلف گردیده است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، برنامه‌های جامع فقرزدایی را تهیه و اجرا نماید (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴) در حقیقت اهمیت توجه به فقر از آن‌جا ناشی می‌شود که فقر آرزوها، امیدها و شادی‌ها را می‌کشد و انرژی زیادی را مصروف باز تولید خود می‌کند (ساطیان، ۱۳۹۰). در فرآیند فقرزدایی با توجه به اشتغال بخش عظیمی از جمعیت روستایی در بخش کشاورزی، توجه به این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدیهی است که ایجاد تحول اساسی در افزایش پایدار محصولات تولید شده در روستاها مستلزم سرمایه‌گذاری در تحقیق و ترویج کشاورزی برای کاهش فقر روستایی می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۱). در زمینه نقش ترویج کشاورزی بر کاهش فقر مطالعاتی متعددی صورت گرفته که توجه ویژه به بخش کشاورزی را خاطر نشان می‌کند. در عمل هیچ جایگزینی برای یک خدمات قابل دوام ترویج وجود ندارد. کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و دانمارک، که کشاورزی بسیار پیشرفته دارند، همیشه از خدمات ترویج قوی، در ابتدا عمومی و بعد خصوصی سود برده‌اند. هیچکدام از این کشورها بسیار توسعه یافته تا به حال در زمان تخصیص منابع رشته ترویج را پایین تر از سایر رشته کشاورزی در نظر نگرفته است (kalimQamar, ۲۰۰۶). چشم انداز سیاست توسعه، سرمایه‌گذاری در خدمات ترویجی یا تسهیلات ترویج غیردولتی، به طور بالقوه ابزارهای مهمی برای افزایش تولیدات کشاورزی و درآمد کشاورزان و کاهش فقر است. جدا از هدف سنتی خدمات مشاوره‌ای کشاورزی برای افزایش تولید، این خدمات همچنین می‌تواند نقش مهمی در مقابله با چالش‌های جدید کشاورزی از قبیل: تغییرات در سیستم جهانی کشاورزی و غذا، رشد تجارت کشاورزی و اشتغال غیرکشاورزی روستا، مقابله با آیدز و سایر مشکلات سلامتی در روستا؛ از بین رفتن منابع طبیعی و سازگاری با تغییرات اقلیمی می‌باشد. با مقایسه وضعیت واقعی تولید در مزرعه، و شرایطی که بر اثر افزایش دانش کشاورز در مواجهه با خدمات مشاوره‌ای ترویج در تولید به وجود می‌آید (Anderson, ۲۰۰۶)؛ تاثیر ترویج کشاورزی بر میزان تولید و بهبود اقتصاد مشخص می‌گردد. حال یکی از روش‌های دستیابی به توسعه، مدل توسعه هوشمند روستایی است که تاکید بر فناوری اطلاعاتی و ارتباطی داشته و راهبردهای آن در غالب فرآیندهایی که نیاز به ابزارهای الکترونیکی دارد مطرح شده و همینطور به عنوان راهکاری جدید بیان گردیده است (Naldi & etall, ۲۰۱۵). دسترسی به ICT در مناطق روستایی نیاز به تمرکز بیشتر بر محتوا و آموزش، به عنوان زیرساخت دارد؛ که ترویج کشاورزی با نقش آموزشی خود تاثیر بسیاری در فراهم سازی شرایط یادگیری کشاورزان و جامعه روستایی خواهد داشت (Singh et all, ۲۰۱۴).

مسئله فقر یک چالش چند بعدی است که نمی‌توان آن را تنها در یک زمینه یا بخش مورد بررسی قرار داد. اما به نظر می‌رسد که با کمک همه جانبه بخش‌های مختلف جامعه بتوان تا حد زیادی آن را کاهش داده و امیدوار بود که روزی به کلی مرتفع شود. یکی از بخش‌هایی که ارتباط زیادی با برخی پیش نیازهای رفع فقر دارد، ترویج کشاورزی است که با نقش اتصال دهنده‌ی خود بین روستا، شهر، جامعه کشاورزی و موسسات تحقیقاتی به نحو بسیار خوبی بر مسئله فقر تاثیر گذار است. اما سوالی که ایجاد می‌شود این است که چرا تا کنون خیلی موفق عمل نکرده و چه راهکاری می‌تواند آن را در این حیطة توانمند کند؟ و نکته دیگر نقش توسعه و مدل‌های آن در رفع این چالش‌هاست؟ مقاله حاضر به بررسی مسئله فقر در ایران و ارتباط آن با توسعه پایدار پرداخته و به طور ویژه نقش ترویج کشاورزی با رویکرد مدل هوشمند توسعه را، در کاهش فقر مطرح می‌کند. قابل ذکر است که این مقاله در بخش اول به بیان مقدمه پرداخته؛ بخش دوم به بررسی مفاهیم فقر و علل فقر در ایران پرداخته می‌شود؛ بخش سوم به رابطه فقر با توسعه پایدار و کشاورزی پایدار اختصاص دارد؛ در بخش چهارم نقش ترویج کشاورزی بر کاهش فقر و رسیدن به توسعه پایدار بررسی گردیده؛ و بخش پنجم مدل توسعه هوشمند و بخش ششم نیز به نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه شده اختصاص دارد.



مفهوم فقر

در حقیقت مفهوم فقر در کشورهای در حال توسعه یک مفهوم ویژه و گسترده است که تنها نقطه توافق عمومی حالت محرومیتی است که در آن استاندارد زندگی مردم کمتر از حداقل استانداردهای قابل قبول است. مفهوم فقر در طول چهار دهه گذشته توسعه یافته است. نگرانی جدی در مورد فقر و یا فکر کردن در مورد فقر را می‌توان به مطالعه رانتری (۱۹۰۱) نسبت داد. پس از آن در دهه ۱۹۶۰ تمرکز اصلی بر روی سطح درآمد بود که در شاخص‌های کلان اقتصادی مطرح می‌شد. در دهه ۱۹۷۰ نگرانی در مورد فقر برجسته‌تر شد. به ویژه در سخنرانی مشهور رابرت مک نامارا در بانک جهانی در سال ۱۹۷۳ در نیروبی در مورد نیازهای اساسی مشاهده شد (Oyeyinka, ۲۰۱۱). در واقع تعاریف بسیاری از فقر وجود دارد، دانشنامه انکارتا (Encyclopaedia Encarta)، فقر را نداشتن منابع یا درآمد کافی تعریف می‌کند. در افراطی‌ترین شکل آن، فقر فقدان مواد غذایی، پوشاک، مسکن، آب و بهداشت می‌باشد. با توجه به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۱۹۹۸) فقر به عنوان یک پدیده پیچیده‌ای است که اشاره به کمبود منابع و محرومیت مردم از داشتن شرایط مناسب زندگی دارد (Tazoacha, ۲۰۰۱). در حالیکه ولنتاین (۱۹۸۶) بیان می‌کند که جوهر فقر نابرابری است. یعنی فقر محرومیت نسبی است. نسبی بودن به تعریف اجتماعی فقر بر می‌گردد که منظور مقایسه پیشرفت یک جامعه با جامعه دیگر است (Bradshaw, ۲۰۰۶). گرین (۲۰۰۸) معتقد است که فقر حاصل فرآیندهای تبعیض در جامعه بویژه نابرابری جنسیتی است و مدعی است که زنان فقیرترین قشر جوامع هستند. تعریف و اندازه‌گیری فقر دو بخش مجزا هستند، که حاصل رویکرد سنتی تک بعدی و اخیراً رویکرد چند بعدی می‌باشد. در حالیکه رویکرد سنتی فقط به یکی از متغیرهای درآمد و یا مصرف اشاره دارد؛ رویکرد چند بعدی به جنبه‌های گسترده‌تری می‌پردازد. همچنین گزارش توسعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ سه بعد محرومیت - بهداشت، آموزش و استاندارد زندگی را در زمینه فقر مد نظر قرار می‌دهد جالب است که از جنبه‌ای دیگر مصرف کالاها و خدمات، عامل تعیین اساسی رفاه بشر محسوب می‌شود (آکادمی علمی، ۲۰۱۵). اندیشمندان مختلف با توجه به دیدگاه نظری خود دسته بندی‌های مختلفی را از فقر ارائه کرده‌اند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: فقر مطلق: ناتوانی از تأمین حداقل سطح زندگی فقر نسبی: میزان ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگران (نگهداری و همکاران، ۱۳۹۳). فقر ناگهانی و پایدار: معیار این دسته بندی زمان تسلط فقر بر انسان است فقر اولیه و ثانویه؛ فقر عینی و ذهنی: طرز تلقی افراد از وضعیت خودشان. فقر معنوی.

آمارتیا سن فقر را از دو جنبه بررسی می‌نماید: (۱) فقر درآمدی که بعد مادی و اقتصادی دارد. (۲) فقر و محرومیت قابلیت‌ها، که آن را عدم بهره‌مندی فرد از آزادی‌های اساسی بیان می‌کند که یک فرد برای هدایت زندگی خود به سمتی که برای ارج نهادن به آن دلیل دارد، نیازمند است (ادیبی و بهشتی، ۱۳۸۹) دیدگاه‌های نظری در زمینه فقر به چهار گروه زیر تقسیم می‌شود.

گروه نخست: جامعه شناسانی‌اند که هنگام بررسی مسئله فقر بیش تر درصدد بوده‌اند عوامل مؤثر بر پیدایش فقر را در سطح خرد (فرد) توضیح دهند. نظریه اسپنسر و اسکار لویس و جرج زیمل در این دسته قرار می‌گیرد.

گروه دوم: کار کسانی همچون پاتنام و بورديو است که برای کاهش فقر، مشارکت در گروه‌ها، عضویت در نهادهای مدنی و ... را عمده می‌کنند. به عبارت دیگر، آنان در سطح میانه بحث می‌کنند.

گروه سوم: عموماً جامعه شناسانی‌اند که به ساختار اهمیت بیشتری داده‌اند. از میان نظریه‌های بررسی شده می‌توان به کار پارکین از مکتب مارکسیستی و دیویس و مور از مکتب کارکردی ساختاری اشاره کرد.

گروه چهارم: کار خلاقانه آنتونی گیدنز در این گروه قرار می‌گیرد. او سطوح خرد و کلان را با هم ترکیب کرده و در نظریه دوگانگی ساختاربندی خود، این دو را به هم پیوند می‌زند. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱).

وضعیت فعلی فقر حاکی از آن است که تجدید تماس بین المللی، آخرین اهداف توسعه آینده، برای ریشه کن کردن فقر روستایی و گرسنگی، و برای حمایت از گروه‌های آسیب پذیر مانند روستایی بی‌زمین، زنان و جوانان وجود داشته است (kalimQamar, ۲۰۰۶). در



گزارش‌های پیشین بانک جهانی از وضعیت قیمت در کشورهای در حال توسعه، برآورد پایینی از سطح قیمت این کشورها ارائه شده بود (میرشجاعی، ۱۳۹۰). تعداد فقرا در سال‌های اخیر بالا رفته است. علاوه بر این، حتی اگر به اندازه کافی غذا تولید شده برای هر کس در جهان وجود دارد، هنوز هم بیش از ۸۰۰ میلیون نفر از مردم وجود دارند که تقریباً از هفت نفر یکی که به اندازه کافی غذا برای خوردن ندارند. گرسنگی، فقر و آسیب پذیری با هم ارتباط دارد. و بیش از ۷۰ درصد از آن‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و به طور عمده در زنده ماندن کشاورزی بستگی دارد (Ifad, ۲۰۱۵).

ریشه و علل فقر در ایران

در یک دسته بندی محققان فقر شهری و روستایی را تفکیک می‌کنند. شهرها به خاطر دارا بودن بسیاری از ابعاد گوناگون محرومیت چون کمبود دسترسی به فرصت‌های اشتغال و مسکن، زیرساخت‌های نامناسب، نبود تامین اجتماعی و دسترسی به بهداشت، آموزش و امنیت فردی در رنج و مضیق‌اند. مجموعه این عوامل در شکل گیری فقر شهری موثراند (شاطریان و ارمکی، ۱۳۹۴).

عوامل عمده فقر روستائینان می‌توان به عوامل اقتصادی - کشاورزی، عوامل شغلی، روابط اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی اشاره کرد. عوامل اقتصادی - کشاورزی از مهمترین تعیین کننده‌های مرتبط با فقر روستایی به شمار می‌رود (پقه و همکاران، ۱۳۸۰) و پس از آن عوامل دیگر (ناتوانی مدیریت، ضعف سیاسی روستائیان، پراکندگی جغرافیایی روستا و محدودیت دسترسی آن‌ها به امکانات، کم بود سرمایه و امکانات زیربنایی، مهاجرت و رکود جمعیت فعال روستایی، بهره‌وری پایین سیستم تولید در روستاها) اولویت می‌یابند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱).

مرور محققان بر مطالعات انجام شده در مورد علل فقر روستایی در خارج از ایران نشان داد که برخی از آن‌ها به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی فقر با رویکردی کیفی پرداخته‌اند. هرچند نتایج از مکانی به مکانی دیگر متفاوت است. برخی دیگر مباحثی همانند هزینه‌های مراقبت بهداشتی، هزینه‌های خدمات اجتماعی، بدهی‌های زیاد، بی‌عدالتی‌های اجتماعی، عوامل فردی و یا ساختاری مؤثر بر فقر را مطالعه کرده‌اند و بسیاری دیگر از آن‌ها بر عوامل اقتصادی همانند، بیکاری پرداخت‌های انتقالی به روستائیان، دسترسی به زمین مناسب، آب کافی برای آبیاری و سرمایه گذاری در جاده سازی و تأثیر آنها بر فقر روستایی متمرکز شده‌اند (طالب و پیری، ۱۳۹۴). والا (۲۰۰۲) ارتباط بین جهانی شدن، رشد و کاهش فقر را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد که جهانی شدن با افزایش رشد، فقر را کاهش می‌دهد. مسعود فوز مسلمیان (۱۳۸۴) ارتباط رگرسیونی بین شاخص‌های آزاد سازی تجاری و فقر را مورد بررسی قرار داد و بر اساس ۱۱ کشور در حال توسعه از جمله ایران، با استفاده از الگوی داده‌های ترکیبی (مقطعی و زمانی) نشان داد که آزاد سازی تجاری باعث افزایش فقر در کوتاه مدت می‌شود، ولی در بلند مدت کاهش فقر را در پی خواهد داشت.

بحث‌های جدید درباره‌ی اثرات رشد حاصل از جهانی شدن روی فقر دارای سه بعد پیچیده‌ی: رشد، نابرابری و فقر می‌باشد. روشن است که کاهش فقر مستلزم افزایش رشد و سیاست‌های توزیع به نفع فقراست چنانکه راولیون (۲۰۰۴) مطرح می‌کند، رشد زمانی به نفع فقرا خواهد بود که کاهش در نابرابری را در پی داشته باشد (پیرحیاتی و همکاران، ۱۳۸۸) از جهتی فقر تحت تأثیر دو عامل تغییرات میانگین درآمد و توزیع آن تغییر می‌کند. بنابراین، سیاست‌های اقتصادی در قالب تغییرات قیمتی می‌توانند از دو جهت شاخص‌های فقر را متأثر کنند. اول از طریق اثرات درآمدی، یعنی تغییر در درآمد حقیقی خانوارها تحت تأثیر تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها؛ و دوم تغییر در قیمت‌های نسبی که از آن به تغییرات توزیعی تعبیر می‌شود. (پروین، ۱۳۸۹)

از آن جایی که هر اندیشمندی با توجه به دیدگاه نظری خود عوامل متعددی را برای بروز فقر بر شمرده است. در یک جمع بندی کلی برخی از این عوامل عبارتند از: (۱) فقر منابع طبیعی؛ خشکسالی‌های مکرر (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶) (۲) ماهیت دولت و نظام اقتصادی (۳) عدم وجود سرمایه‌ی کافی برای توسعه (۴) دولت و اقتصاد ناسالم و فاسد و روحیه‌ی تطابق و سازگاری فقرا و آموزه‌های مذهبی ایشان (۵) فشار مهاجرت (۶) توزیع ناعادلانه‌ی درآمد؛ مشاغل کم درآمد (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶) (۷) میزان رشد جمعیت (۸) تمرکز ثروت (۹)



بازدهی کم نیروی کار و زمین (۱۰ عوامل تاریخی) عوامل اجتماعی: نحوه‌ی جامعه‌پذیری افراد جامعه؛ کاهش کیفیت خدمات اجتماعی همراه با توزیع نامناسب (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ پوشش ناکافی تامین اجتماعی (اطهاری، ۱۳۸۴) عوامل اقتصادی: رشد اقتصادی کم و منفی؛ بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱) قیمت‌های بالای کالاهای اساسی (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶) عوامل سیاسی: تبعیض نژادی، قومی، دینی، زبانی و... عوامل فرهنگی: افکار و اعتقادات مردم و تسلط فرهنگ فقر بر گروهی از انسان‌ها (ادیبی و بهشتی، ۱۳۸۹) ۱۴ کارایی نداشتن بازار کار و دستمزد ناچیز در بخش غیر رسمی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱) ۱۵ نرخ بالای بیکاری (۱۶ بی‌سوادی و بهره‌وری پایین در روستاها (اطهاری، ۱۳۹۴) ۱۷ کمبود فناوری مناسب و سایر بحران‌های بخش کشاورزی (نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۶)

رابطه فقر با توسعه پایدار و کشاورزی پایدار

امروزه توسعه پایدار توجه زیادی را از طرف متخصصان توسعه به خود جلب نموده (رضائی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵) و این مفهوم جزئی جدا نشدنی در واژه شناسی توسعه شده است. یکی از جنبه‌های مهم توسعه پایدار، کشاورزی پایدار است (دریائی و همکاران، ۱۳۹۰) که نه تنها نیازهای آتی مربوط به افزایش تولید را در نظر دارد بلکه کیفیت محیط زیست را نیز حفظ می‌نماید (رضائی مقدم و کرمی، ۱۳۸۵). جامعه جهانی گام‌های بلندی در پرداختن به فقر برداشته است. اما ادامه استراتژی‌های فعلی برای رسیدن به توسعه پایدار کافی نیست. تخریب محیط زیست باعث افزایش هزینه بر جوامع شده است. از سویی مسئله فقر و تامین مواد غذایی چالش مهمی در توسعه پایدار است. به تعبیری توسعه جهانی شامل: جهانی شدن، آزادسازی بازار، خصوصی سازی، کثرت گرایی، تمرکززدایی و تفویض اختیار، مشارکت مشتری در تصمیم گیری، بلایای طبیعی ساخته دست انسان، فقر روستایی، عدم امنیت غذایی، اپیدمی در برابر ایدز و تاکید بر روی توسعه یکپارچه، چند رشته ای، جامع و توسعه پایدار می‌شود. همانطور که ذکر شد رفع فقر از پیش نیازهای جهانی شدن و دستیابی به توسعه است (kalim Qamar, ۲۰۰۶) برخلاف پیشرفتی که کشورهای توسعه یافته در کاهش فقر داشته‌اند؛ در کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی با افزایش نابرابری و تداوم فقر افراد بسیاری همراه بوده است. که این مسئله نگرانی در زمینه دستیابی به توسعه پایدار را ایجاد کرده است (دپارتمان توسعه، ۲۰۱۳). وزارت توسعه بین‌المللی دولت بریتانیا مسئول ارتقاء توسعه و کاهش فقر است. این وزارت با کمک نهادهای چند جانبه با حمایت مالی برخی کشورهای در حال توسعه در جهت بهبود وضعیت آن‌ها تلاش می‌کنند. از جهتی به دلیل پیوستگی مسئله فقر و عدم دستیابی به توسعه دولت بریتانیا به مجموعه‌ای از اهداف توسعه بین‌المللی و تاحدودی ارکان توسعه پایدار شامل: پایداری اقتصادی، سیاسی و اکولوژیکی (karami, ۱۹۹۵)، متعهد است سه رکن دارد: الف- رفاه اقتصادی: در سال ۲۰۱۵ کاهش نصف در نسبت افرادی که در فقر شدید هستند. ب- توسعه انسانی و اجتماعی: در سال ۲۰۱۵ آموزش ابتدایی همگانی در همه کشورها؛ پیشرفت برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان با حذف جنسیتی، کاهش دو سوم مرگ و میر در نوزادان و کودکان زیر پنج سال، کاهش سه چهارم مرگ و میر مادران، دسترسی از طریق سیستم مراقبت‌های بهداشتی اولیه به باروری خدمات بهداشتی برای همه افراد از سنین مناسب در اسرع وقت و بعد از سال ۲۰۱۵؛ ج- پایداری زیست محیطی و بازیافت: اجرای استراتژی ملی برای توسعه پایدار در همه کشورها در سال ۲۰۱۵، تا اطمینان حاصل شود که روند فعلی در از دست دادن منابع زیست محیطی به طور موثر در هر دو جهانی معکوس پایداری نمی‌تواند با نابرابری توزیع منابع زیستی خدادادی بین نسل‌ها رابطه داشته باشد (دپارتمان توسعه، ۲۰۰۰).

کشاورزی پایدار پایه و فلسفه آن بر اهداف انسانی و اثرات بلند مدت فعالیت‌های آن بر روی محیط زیست و سایر گونه هاست. اهداف توسعه کشاورزی ایران از نظر کارگزاران کشاورزی عبارتند از: افزایش تولید (برای هر افزایش جمعیتی)، جلوگیری از فرسایش خاک، کاهش آلودگی کودها و حشره کش‌ها، حمایت از تنوع زیستی، حفاظت از منابع طبیعی و افزایش رفاه (کاهش فقر) است (Rezaei-Moghaddam & etall, ۲۰۰۵). ما با استفاده از فلسفه و تجربیات گذشته، پیشرفت‌های علمی به یکپارچگی، حفظ منابع و سیستم عادلانه کشاورزی می‌رسیم. این سیستم باعث کاهش تخریب محیط زیست، حفظ بهره‌وری کشاورزی، ترویج کارایی اقتصادی در کوتاه مدت و بلند مدت و حفظ جوامع روستایی پایدار و کیفیت زندگی است. تعاریف توسعه پایدار کشاورزی نشان دهنده افزایش در برابری، ثبات در جوامع روستایی و



کیفیت زندگی در کوتاه مدت و بلند مدت است. در یک سیستم توسعه پایدار فقط خروجی و ارزش محصولات مطرح نیست بلکه کمک کردن به توسعه برابر در جوامع روستایی است. اغلب فقر باعث تخریب محیط زیست است. زیرا فقیر هیچ گزینه‌ای جزء بهره‌برداری از منابع برای بقاء کوتاه مدت ندارد. سازمان ملل کمک به فقرا را به عنوان یک هدف عمده برنامه‌های زیست محیطی در توسعه پایدار می‌داند. (karami, ۱۹۹۵)

نقش ترویج کشاورزی بر کاهش فقر و رسیدن به توسعه پایدار

از پیش نیازهای توسعه، توسعه کشاورزی است. کشورهایی مانند ایالات متحده امریکا، کانادا، استرالیا و دانمارک که کشاورزی بسیار پیشرفته دارند از خدمات ترویج قوی بهره می‌برند. ترویج یک ستون ضروری برای توسعه است اما متأسفانه درک نادرستی از ترویج در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و این باعث سازماندهی ناقص اولیه ترویج شده است. برای مبارزه با پدیده فقر و گرسنگی در روستاها یک عزم راسخ در سراسر جهان وجود دارد. کارکنان ترویج بدون توجه به اینکه آن‌ها به جای خاصی (ادارات، سازمان غیر دولتی، انجمن کشاورزان، موسسات خصوصی) تعلق دارند، در این مبارزه یک نیروی توانمند را تشکیل می‌دهند (kalimQamar, ۲۰۰۶).

خدماتی که به وسیله ترویج کشاورزی ارائه شده است دارای ویژگی‌هایی است که منافع کل جامعه را در بر دارد. تعداد بسیار زیادی مأموران ترویج در سراسر جهان با تخصص‌های مختلف در زمینه‌های متفاوتی وجود دارد. ترویج یکی از اجزای مهم تلاش‌های توسعه کشاورزی است و سرمایه‌گذاری بسیاری از کشورها در این زمینه اهمیت ترویج را نشان می‌دهد (Anderson, ۲۰۰۶). کمک‌کنندگان عمده مانند بانک جهانی کاهش تقریباً ثابت در تخصیص منابع به بخش کشاورزی در طول دهه گذشته مشاهده کرده‌اند، اما به تازگی روند مشخصه معکوس می‌شود. دلایل بسیاری برای این وجود دارد، اما یکی عزم و اراده کشورهای ثروتمند است برای مبارزه با گرسنگی و فقر در کشور کمتر توسعه یافته، ترویج برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها، و حصول اطمینان از پایداری محیط زیست، در میان اعلام اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد، که اینها مربوط به عملکرد ترویج نیز هست (kalimQamar, ۲۰۰۶).

هنوز هم نیاز به آوردن خدمات ترویج برای فقرا در سراسر جهان وجود دارد. و با آغاز مفاهیمی همچون جهانی شدن نیازهای یادگیری جدیدی نیز برای گروه‌های مختلف کشاورزی ایجاد می‌شود. این نیازها بویژه وقتی که با زمینه‌ی انقلاب فناوری اطلاعات روبرو می‌شوند چالش ساز هستند. زمان آن رسیده که سیاستگذاران کشورهای در حال توسعه، رشته‌ی ترویج را با دید جهانی به چالش بکشند و باز بررسی کنند (kalimQamar, ۲۰۰۶). توسعه و گسترش خدمات ترویج کشاورزی می‌تواند در تمام شرایط مثر ثمر باشد. توانمند سازی سیستم ترویج کشاورزی می‌تواند شانس بازگشت سرمایه را افزایش دهد، سرمایه دیگران را جذب کند، به طور موفقیت آمیزی به کشاورزان کمک کند تا درآمد و تولید خود را بهبود بخشند، در رشد اقتصادی و کاهش فقر موثر باشند، و در جهت توسعه کشاورزی پایدار آگاهی کشاورزان را افزایش دهد. (Anderson, ۲۰۰۶)

مدل هوشمند توسعه روستایی

در سال ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا در استراتژی رشد ده ساله خود مفهوم "هوشمند" را بیان کرد و اعلام نمود که باید تا سال ۲۰۲۰ باید یک اقتصاد هوشمند، پایدار و جامع داشته باشد. این مدل پاسخی به نرخ‌های رشد پایین نوآوری و بهره‌وری در مناطق اروپا است. که از طریق توسط ارتقاء پژوهش، نوآوری، و دانش به منظور دستیابی به رشد اقتصادی منطقه‌ای به دست آمده است. این مفهوم در مناطق شهری با هدف رشد اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی مردم بوسیله کاربرد تکنولوژی است. به صورتیکه در زیرساخت‌ها و خدمات توسعه از محیط‌های سایبری استفاده شود و شهروند به صورت الکترونیک امکان استفاده از امکانات و انجام فعالیت‌های خود را داشته باشند (Government of India, ۲۰۱۵).



مناطق روستایی شرایط متفاوت با مناطق شهری دارند. و محدودیت‌هایی از قبیل دسترسی کم به منابع، مهاجرت، سطح پایین سواد در آن -ها دیده می‌شود. در واقع در این مدل نیاز است که بهبود مهارت افراد، فرهنگ کسب و کار، آموزش، خدمات پشتیبانی نوآوری و زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات فراهم شود. برنامه‌ریزی آن می‌تواند هم بصورت دولتی از بالا به پایین و یا به شکل خصوصی و کمک متخصصان و کارآفرینان در فرم پایین به بالا صورت گیرد. این مدل در دو سطح فردی و صنعتی نیاز به آماده سازی شرایط دارد. احتیاج به اتصال روش سنتی و جدید انتقال اطلاعات، به عنوان مثال شبکه‌ها، اطلاعات و تماس چهره به چهره می‌باشد. سه مفهوم دانش، سرمایه انسانی و مزیت رقابتی در این مدل وجود دارد. رشد هوشمند بر قابلیت دسترسی تاکید دارد؛ یعنی فعالیت‌هایی که مردم به طور مداوم با آن‌ها سر و کار دارند، در نزدیکی آن‌ها باشد. به همین دلیل واحد اصلی برنامه‌ریزی رشد هوشمند جوامع محلی یا روستاها هستند. عوامل موثر بر رشد هوشمند روستایی شامل سرمایه گذاری در پژوهش و توسعه، سهم افراد دارای تحصیلات عالی و اقدامات مبتنی بر دانش می‌باشد. (Naldi & etall, ۲۰۱۵)

تعریف‌های نظری و عملیاتی ابعاد توسعه‌ی هوشمند

جدول ۱. تعریف‌های نظری و عملیاتی ابعاد توسعه

تعریف عملیاتی	تعریف نظری	بعد
بعد نرم شامل قابلیت‌های فرهنگی، اجتماعی و انسانی است.	تمامی مولفه‌هایی که در ارتباط با اهداف و ارزش‌ها هستند و زیرساخت‌های فکری، باورها و الگوهای رفتاری در سطح ملی را شکل می‌دهند، جزء ابعاد نرم می‌باشند.	نرم
بعد سخت شامل قابلیت‌های اقتصادی و طبیعی است.	همه‌ی مولفه‌هایی که جنبه‌های ملموس و عینی توسعه در سطح ملی را شکل می‌دهند، جزء ابعاد سخت می‌باشند.	سخت
شامل قابلیت‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است.	دانش و کنشی است که با بازیگران توسعه در سطح ملی همراه است و به مهارت-های بازیگران توسعه توجه دارد.	مهارت ارتباطی کنشگران

منبع: (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴)

قابلیت‌های مختلف مطرح شده در این ابعاد می‌تواند در غالب یکسری از راهبردها بر روی کیفیت زندگی موثر باشد که تفسیر جزئی‌تر آن در جدول زیر قابل مشاهده است.



جدول ۲. راهبردهای مدل به تفکیک قابلیت‌ها

راهبردهای مدل به تفکیک قابلیت‌ها

ارتقای تولید و ارائه کالاها و خدمات فرهنگی	ارتقای عقلانیت فردی و عمومی	قابلیت فرهنگی- ارزشی
گسترش ارتباطات و تجارت فرهنگی بین‌المللی	ارتقای هویت دینی، ملی و انقلابی	
ارتقای اخلاق فردی و عمومی	گسترش فرصت و امکانات برابر فرهنگی	
ارتقای مشارکت رسمی و غیر رسمی		
ارتقای آگاهی و شناخت	افزایش امنیت درونی و برونی	قابلیت اجتماعی
ارتقای اعتقاد عمومی	ارتقای وحدت و انسجام مذهبی و ملی	
افزایش سازماندهی اجتماعی	گسترش فضای آزادی بیان	
	گسترش فرصت‌ها و امکانات برابر اجتماعی	
ارتقای زیرساخت‌های اطلاعاتی	گسترش دسترسی همگانی به اطلاعات	قابلیت اطلاعاتی
ارتقای دانش و مهارت اطلاعاتی		
حفاظت از زمین	حفاظت از تنوع زیستی	قابلیت طبیعی
حفاظت از جو	ارتقای شناخت مناسب از استعدادهای محیط زیست	
حفاظت از آب		
گسترش اقتصاد دانش بنیاد در همه‌ی زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف	کاهش وابستگی اقتصاد ملی	قابلیت اقتصادی
کاهش نرخ بیکاری و تثبیت قیمت‌ها	کاهش انحصارات دولتی در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی	
توسعه تجارت همکاری‌های اقتصادی راهبردی در زمینه‌ی بین‌الملل	پیشگیری و مبارزه با مفاسد اقتصادی	
گسترش زیر ساخت‌های ارتباطی	توجه به منفعت عمومی و رضایت الهی در فعالیت‌های اقتصادی	
افزایش رشد اقتصادی در همه‌ی زمینه‌های (صنعتی، کشاورزی و خدماتی)	بهبود فرصت و امکانات اقتصادی برای همه	
کاهش فقر انسانی		



ارتقای دانش و مهارت‌های فردی و سازمانی	گسترش توانمندی جنسیتی
ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی در سطح فردی و عمومی	ارتقای تقوا و مل صالح در همه افراد
گسترش امکانات و فرصت‌های برابر برای همه	
ارتقای روابط بخشی چندگانه، روابط دولتی چندگانه و روابط سازمانی چندگانه	ایجاد و تقویق فضای کارآفرینی
ارتقا ظرفیت بخشی بودن بخش تعاون و بخش غیر دولتی در کنار بخش دولتی و خصوصی	ایجاد و تقویق فضای کارآفرینی
عدم وابستگی به بخش دولت	ایجاد و تقویق فضای کارآفرینی
قابلیت انسانی	
قابلیت دولتی	
قابلیت خصوصی	
قابلیت جامعه مدنی	

منبع: (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴)

این مدل شامل ظرفیت‌هایی است که می‌تواند تبدیل به قابلیت شود (قابلیت‌هایی که در بالا ذکر شد). سپس این قابلیت‌ها در غالب راهبرد قرار می‌گیرد. (محمودی و همکاران، ۱۳۹۴) نکته‌ای جالب توجه است هم خوانی راهبردها با چالش‌های فقر است به صورتیکه این راهبردها قادر به رفع چالش‌های فقر از سطح جزئی تا سطح کلی می‌باشد. و در زمینه ارتباط آن با بخش ترویج گویای این است که، مروجان باید قادر به توانمند سازی کشاورزان به مشارکت در فرایندهای ترویجی، ارتباط با ذینفعان، آگاهی از کشاورزی معاصر و اطلاعات روستایی، از طریق داشتن دسترسی بهتر و مهارت‌های اجرای فناوری اطلاعات و ارتباطات باشند. سپس به این ترتیب با کاربرد مدل توسعه هوشمند شرایط و زمینه توسعه را فراهم کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

توجه به مسئله فقر و فقر زدایی یک موضوع جهانی بوده که در کشورهای در حال توسعه به میزان بیشتری مشاهده شده است. با وجود مطالعات و تلاش‌های بسیاری که در این زمینه صورت گرفته اما برخی از کشورها همچنان به این مسئله گرفتار هستند. مطالعه حاضر با بررسی مسئله فقر و ارتباط آن با توسعه و همچنین نقش ترویج کشاورزی با رویکرد مدل توسعه هوشمند به دنبال راه حلی برای این مشکل است. از آنجایی که فقر یک مسئله چند بعدی می‌باشد عوامل و بخش‌های گوناگون بر آن تاثیر دارند. اما نتیجه این مطالعه نقش مهم ترویج کشاورزی در کاهش فقر را نشان می‌دهد که از طریق مدل توسعه هوشمند می‌توان در مسیر رفع مشکل قدم برداشت. چالشی که برای سازمان ترویج وجود دارد وجود پرسنلی آموزش دیده و با مهارت و با انگیزه است که نقش فعال در انتقال کشاورزی پایدار داشته باشد. بنابراین دیدگاه اهمیت و تأکید روی افزایش تولید و افزایش کمی است. با توجه به رابطه اجتماع و اهمیت محیط زیست و مفاهیم توسعه پایدار تاکید بر برابری بین نسل‌هاست. وضعیت فعلی فعالیت‌های ترویج نابرابری بین روستاها را کاهش نمی‌دهد. اما شکاف افزایش می‌دهد (Cahyono, ۲۰۱۴; karami, ۱۹۹۵). با توجه به اهمیت نقش ترویج در کاهش فقر، اصلاح فعالیت‌های ترویجی نیاز است به طوری که این نهاد مهم توسعه کشاورزی بتواند توسعه کشاورزی در جهت پایداری رواج دهد.

- پیشنهاد می‌شود که مدل توسعه هوشمند با توجه به شرایط هر منطقه کاربردی شود. و از اطلاعات مطلعین کلیدی برای شناخت جامعه استفاده شود تا اطلاعات دقیق‌تری بدست آید. خدمات ترویج جدید باید آگاه، برخوردار از منابع، مسلح به دستورهای فنی گسترده فراتر از انتقال فن‌آوری و واقعا صرف نظر از روش آن، یعنی آیا مفرد یا کثرت گرا، عمومی یا خصوصی، و یا ترکیبی از



این دو؛ در هر صورت کارآمد باشد. هر گونه سرمایه گذاری کوتاه مدت یا بلند مدت در اصلاح و نوسازی ترویج موظف به بازگشت سرمایه به کشور است (kalimQamar, ۲۰۰۶).

- استفاده از ICT به عنوان چشم اندازی برای کامل کردن روش‌های ترویجی مرسوم راهکاری مناسب می‌تواند باشد.
- تلاش برای بهبود موقعیت برنامه‌های ترویجی در زمینه کمبود بودجه، آموزش مروجان و کشاورزان آماده سازی زیرساخت
- تبدیل ترویج به رشته‌ای میان رشته‌ای با ترکیبی از ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی
- برنامه‌های آموزشی و توسعه برای تغییر دیدگاه و مهارت کارکنان ترویج در مورد توسعه پایدار در سطوح مختلف سازمانی باید در اولویت اول برای هدایت فعالیت‌های ترویج به سوی توسعه پایدار باشد. برنامه‌های آموزشی باید پایداری اکولوژیکی، پایداری اجتماعی و رابطه بین فقر و تخریب محیط زیست را پوشش دهد. کارکنان ترویج نه تنها نیاز به یادگیری در مورد تکنولوژی محصولات کشاورزی پایدار دارند. بلکه آنها نیاز به یادگیری این دارند که به چه کسی، کجا و چگونه تکنولوژی رسیدن به پایداری ارائه دهند (Cahyono, ۲۰۱۴; karami, ۱۹۹۵).
- سرمایه گذاری ترویج باید ظرفیتی را برای شناسایی گزیدارهای جدید در سطح مزرعه ایجاد کند و اطمینان حاصل کند که در راه‌های درست حمایت می‌شود. برای مثال از طریق سازمان‌های غیر دولتی و با دخالت شرکت‌های خصوصی، یا سازمان کشاورزان. این نیازمند دیدگاهی چندگانه در تهیه و سازماندهی خدمات است، با این نگرش و توانایی که رهیافت‌های مناسبی برای شرایط خاص پیدا شوند. سرمایه گذاری در چنین مدل‌هایی باید منعطف باشد و کاهش نیازهای آموزشی، تعداد مأمورین و حمل و نقل را در نظر بگیرد. برای متعادل کردن خطر این انعطاف، مبحث پاسخگویی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- محمودی، م.، دادهیر، ا.، سیفی، و مشتاق، ر. فراتحلیل مطالعات فقر در ایران. رفاه اجتماعی. شماره ۴۵. صص ۷-۴۳.
- محمودی، م.، دانایی فرد، ح.، امیری، ع.، جندقی، غ.، و بابکی‌راد، ا. (۱۳۹۴). طراحی مدل توسعه هوشمند. مدیریت فرهنگ سازمانی. شماره ۱. صص ۲۵-۴۵.
- نگهداری، ا.، و پیرایی، خ. (۱۳۹۳). برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون‌گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰). برنامه ریزی و بودجه. شماره ۱. صص ۳-۳۳.
- افتخاری، ف.، کرمی، آ.، و نوری پور، م. (۱۳۹۱). بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد. اقتصاد کشاورزی. شماره ۱. صص ۱۷۹-۲۰۴.
- بساطیان، م. (۱۳۹۰). بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان. مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۷-۳۲



- میرشجاعی، ف. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت فقر در جهان. روند پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۵۸، صص ۲۰۵-۲۳۰.
- ادیبی، م. و بهشتی، ص. (۱۳۸۹). رابطه میان کنش مؤثر فردی با فقر. رفاه اجتماعی. شماره ۳۹. صص ۳۹۱-۴۲۰.
- پروین، س. (۱۳۸۹). تأثیر تغییرات قیمت بر فقر. اقتصاد مداری. شماره ۲. صص ۹۵-۱۱۷.
- پیرحیاتی، ل.، راغفر، ح.، و فطرس، ح. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر تجارت خارجی بر شاخص های فقر در ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی. شماره ۴. صص ۱-۱۲.
- نجفی، ب.، و شوشتریان، آ. (۱۳۸۶). برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده های آن در خانوارهای
- ارضروم چیلر، ن. (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی ایران). شماره ۲۷. صص ۱-۹۹.
- اطهاری، ک. (۱۳۸۴). فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی. رفاه اجتماعی. شماره ۱۸. صص ۱-۱۵.
- محمودی، و. (۱۳۸۱). اندازه گیری فقر در ایران. فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۲۴.
- پقه، ن.، ازکیا، م.، و رضوانفر، ا. (۱۳۸۰). تعیین کننده‌های اقتصادی- اجتماعی فقر در مناطق روستایی کلاله. اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۳۴. صص ۲۵۷-۲۸۰.
- رضائی مقدم، ک. و کرمی، ع. (۱۳۸۵). ترویج کشاورزی، فقر و کشاورزی پایدار: کاربرد تحلیل مسیر. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران. صفحه های ۵۵ تا ۷۲.
- روستایی و شهری ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۵۹. صص ۱-۲۴. صص ۲۷-۵۷.
- K.M. Singh., M.S. Meena., B.E. Swanson, M.N.Reddy and R. Bahal (۲۰۱۴), In-depth Study of the Pluralistic Agricultural Extension System in India MPRA Paper. Pp ۱-۱۶۶.
- Lucia Naldi. a, Pia Nilsson .b, Hans Westlund. c, d, Sofia Wixe. b. (۲۰۱۵). What is smart rural development? Journal of Rural Studies. pp ۹۰-۱۰۱
- (۲۰۱۵). Angus Deaton: Consumption, Poverty And Welfare. The Royal Swedish Academy Of Sciences. Pp ۱-۳۶.
- (۲۰۱۵) Smart Cities Mission Statement & Guidelines Government of India. Ministry of Urban Development.
- Edi Dwi Cahyono, M.S. (۲۰۱۴) Challenges Facing Extension Agents in Implementing the Participatory Extension Approach in Indonesia: A Case Study of Malang Regency in the East Java Region. ۱-۱۹۳
- (۲۰۱۳). Sustainable Development Challenges. Department of Economic and Social Affairs. pp ۳-۲۱۶
- O, Oyeyinka. (۲۰۱۱) Infrastructure for Economic Development and Poverty Reduction in Africa. United Nations Human Settlements Programme. Pp ۲-۱۰۸.



Jock R. Anderson. (۲۰۰۸) Agricultural Advisory Services A background paper for “Innovating through science and technology” pp۱-۴۴.

QAMAR, M. (۲۰۰۶). Modernizing National Agricultural Extension Systems: A Practical Guide For Policy-Makers Of Developing Countries. Research, Extension And Training Division Sustainable Development Department Food And Agriculture Organization Of The United Nations. pp۱-۶۵.

T. Bradshaw (۲۰۰۶). Theories of Poverty and Anti-Poverty Programs in Community Development. Rural Poverty Research Center. Pp۱-۲۲.

(۲۰۰۰). Disability, poverty and development. Department for International Development. pp۱-۲۱.

<http://www.ifad.org/story/feature/sdg۲/index.htm>